

## بررسی تطبیقی نمودهای گذر از آتش

دکتر مریم محمدزاده<sup>۱</sup>



تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۷

### چکیده

بررسی اساطیر ایرانی از سویی و مطالعه‌ی متون دینی و پهلوی از سوی دیگر نشانگر اجرای آزمون گذر از آتش در روزگاران کهن است، بنابراین می‌توان ردّ پا و نشانه‌ی برگزاری این آزمون را در کتاب مقدّس اوستا و متون پهلوی، از قبیل دینکرد، بندهشن، زادسپرم و... شناسایی کرد. علاوه بر این، این آزمون جایگاه ویژه‌ای در روایات ملی، مذهبی و اساطیری ایران دارد، لذا در این نوشتار، ضمن بررسی نمودهای ملی، مذهبی و اساطیری گذر از آتش در قالب داستان‌هایی مانند ابراهیم (ع)، سلمان و ابسال، ویس و رامین، داستان زرتشت و اپیزود سیاوش و سودابه، اشتراکات و افتراقات این سه نمود را مطرح و به بیان این مسأله خواهیم پرداخت که چرا آتش نیکان و پاکان را نمی‌سوزاند؟

**کلید واژگان:** گذر از آتش، سلمان و ابسال، سیاوش و سودابه، ابراهیم (ع)، زرتشت، ویس و رامین.



به آتش جنبه‌ی مینوی می‌داده است. چنان که نگاهی به سروده‌های زرتشت در گاتها نشان می‌دهد که در این سروده‌ها هشت بار از آتش مینوی یاد شده است: «آتشی که تحت پرتو اشته قرار گرفته، آتشی که از اشته نیرو می‌گیرد، آتشی که پاداش دهنده به اشوان وکیفر دهنده به دروندان است، آتشی که نگهبان و یاور زرتشت است، آتشی که به اشوان شادی و به دروندان ناکامی می‌دهد و...». (گاتها، ۱۳۰۵: ۲ / ۲۳)

۱-۲- نقش مادی: آتش در مراسم دینی و آیین زرتشت به صورت مادی نیز تجلّی پیدا می‌کرد، بدین صورت که مراسم دینی آنها در آتشکده‌ها به گرد آتش انجام می‌گرفت و آتش به عنوان کانون یا مرکز مراسم آیینی، با حضور مادی و ملموس در آتشکده‌ها، نقش مادی خود را ایفا می‌کرد و از منظر ماهیت مادی به سه صورت آتش دادگاه یا خانگی، آتش آدران یا محلی (ایالتی)، آتش بهرام (شاهی/کشوری) شناخته می‌شد که در این میان آتش بهرام بیشترین منزلت و اعتبار را داشت.

خلاصه این که «در آیین‌های زرتشتی، آتش مرکزیت داشت». (آموزگار، ۱۳۸۱: ۲۹) و در اوستا، آتش پسر اهورامزدا و بهترین ایزد معرفی شده است. (خرده اوستا، بی تا: ۲۴۳)

از این گذشته، آتش در موارد گوناگون آن چنان کار ساز زندگی بود که در پاک ساختن آلودگی‌ها و ناپاکی‌های جسمانی نیز آن را مؤثر می‌دانستند. رفته رفته عقیده و باور داشتی در این زمینه شکل گرفت که طبق آن آتش را مؤثرترین عنصر در زمینه‌ی پاک ساختن آلودگی‌های روحانی در زمینه‌ی اخلاقیات از دروغ و ناراستی می‌دانستند؛ لذا آتش «همچنان که وسیله‌ای برای پخت و پز بود، قسمتی از فرآیند قضاوت نیز به شمار می‌رفت» (هینلز، ۱۳۸۸، ۳۲) و «از آتش به فتوا و دستور روحانیان جهت تمیز و تشخیص راستی از ناراستی و دروغ در آزمایش‌ها و داوری‌ها و محاکمات استفاده می‌شد و کسی که متهم بود و ادعا می‌کرد بری از اتهام است و دروغ نمی‌گوید، به وسیله‌ی آتش مورد آزمایش واقع می‌گشت و هر گاه آتش وی را نمی‌سوزانید، ادعایش

ثابت و آشکار می‌شد که راست گفته و صادق است». (رضی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۲۳۸)

در این هنگام، توده‌ای از هیزم در محل جمع‌آوری می‌کردند و فرد مورد اتهام یا گناهکار با گذشتن از میان دو کوهه‌ی آتش که راهی باریک در میانشان وجود داشت بی‌گناهی یا حقانیت خود را به اثبات می‌رسانید.

این آزمون که به آزمون گذر از آتش معروف است از دیرباز، جایگاه ویژه‌ای در روایات ملی، مذهبی و اساطیری ایران دارد که در این نوشتار به صورت تطبیقی به بررسی نمودهای آن خواهیم پرداخت.

## ۲- پیشینه آزمون گذر از آتش در میان ملل

در روزگاران کهن برای تشخیص نیکان و پاکان از گناهکاران و آلوده‌دامنان از شیوه‌های متعدد و مختلفی بهره می‌برده‌اند، مشهورترین رسم و آیین در این زمینه، گذر از آتش است که فرد خطاکار فقط در صورت بی‌گناهی می‌توانست از شعله‌های مهیب آن رهایی یابد.

این آزمون که بیشتر به نام *var* و *ordeal* شناخته می‌شود از دیرباز در هنگام حل و فصل دعاوی به اجرا درمی‌آمده است و در میان اکثر اقوام اروپایی به ویژه در میان اقوام ژرمن و انگلوساکسون معمول بود. «این قضاوت به نام *Jugement of God* مرسوم بود و چنین تصوّر می‌کردند که به این وسیله می‌توانستند متهم بی‌تقصیر را از کیفر شدید و حتمی نجات دهند و این عمل به دو قسم انجام می‌شد: یکی آزمایش به وسیله‌ی آتش، دیگری آزمایش به وسیله‌ی آب. اوّلی به نام *Fire ordeal* و دومی به نام *Water ordeal* مرسوم است». (همان: ۴/ ۲۲۳۶)

این آزمون در اروپا تا میانه‌ی سده‌ی هجدهم میلادی نیز اجرا می‌شده است «این گونه داورى‌ها که در جزء تمدن یونان به رم رسید، به میانجى رم در همه جای



می‌شود که از چه کسی می‌توان برای هدایت به راه راست پیروی کرد؟ و راهنمایی آن است که از کسی که برای اثبات مدّعی خویش بتواند در برابر آتش شعله‌ور استوار بایستد (و گزندی نیابد). هم چنین در جایی دیگر از گناها اشاره شده است که به انواع گناهان به زعم آنکه پوشیده می‌ماند نبایستی مبادرت کرد. چون آزمایش آتش که داور نهایی آن خداوند است، گناهکار را معرفّی خواهد کرد. در گناها همچنین مواردی دیگر و اشاراتی درباره‌ی آزمایش ایزدی به وسیله‌ی آتش آمده است که برخی از آنها کنایاتی است از آتش دوزخ که میان نیکان و بدان داوری خواهد کرد». (رضی، ۱۳۸۱، ۲۲۲۹/۴)

### ۳- نمودهای گذر از آتش در ایران

از آنجا که آریائیان، قبل از مهاجرت در مناطق سردسیر زندگی می‌کردند، آتش در زندگی آنان نقش مهم و بسزایی داشت و از تقدس و احترام ویژه‌ای برخوردار بود. آنان نه تنها از آتش، به عنوان منبع نور و گرما استفاده می‌کردند، بلکه به عنوان قسمتی از فرآیند قضاوت نیز آن را به کار می‌بستند. به اعتقاد آنان، اردیبهشت، مظهر راستی و درستی اهورامزدا در عالم مادی به صورت اشته جلوه یافته و نگهبان آتش است. (رک نیبرگ، ۱۳۵۹: ۶۴). اهورامزدا، گناهان آشکار و نهان را به وسیله‌ی اردیبهشت یا اشته می‌بیند و آتش نه تنها نماد زمینی و این جهانی اشته است بلکه مظهري از اهورامزدا نیز هست و خواست او با خواست اهورامزدا یکسان است چرا که اشته و آتش هر دو فرزند اهورامزدا هستند. (رک مجتبیایی، ۱۳۵۲: ۷۳)

از این رو، رفته رفته باور و اعتقادی شکل گرفت که بر اساس آن، آتش در آزمایش‌ها و داوری بزرگ جهان، حق را از باطل و راست را از دروغ جدا می‌سازد. «هر کس از گناه، پاک و با اشته یکی شده باشد از آتش گزندی نمی‌بیند و به سلامت







کرده است». (پوردادوود، ۱۳۵۷: ۱۲۵)

ب: روایتی که جامی از سلامان و ابسال می‌کند در واقع بر اساس روایت حنین بن اسحاق تنظیم شده است که جامی در این روایت تصرّف کرده است چون در روایت یونانی حنین بن اسحاق، سلامان و ابسال برای فرار از شکنجه‌های پادشاه خود را در آب غرق می‌کنند اما جامی با توجّه به اینکه در هرات و نواحی اطراف آن دریایی وجود ندارد، داستان را طوری بیان می‌کند که گویی سلامان و ابسال خود را در آتش می‌اندازند. (رک: امین، ۱۳۸۳: ۷۵)

۳-۱-۲- داستان ویس و رامین: بر اساس روایت فخرالدین اسعد گرگانی، زمانی که شاه موبد بر بانوی خویش بدگمان می‌شود، او را متهم به رابطه با رامین می‌کند، ولی ویس این اتهام را رد می‌کند و می‌گوید میان او و رامین، کاری به ناشایست نرفته است. شاه اصرار می‌کند و برای اطمینان حاصل کردن از ویس به او پیشنهاد می‌کند تا برای اثبات سخنان خودش، تن به آزمون آتش بسپارد. (گرگانی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) ویس در ابتدا به راحتی این آزمون را می‌پذیرد ولی آنگاه که می‌بیند شعله‌های آتش بالا گرفته است همراه با رامین فرار می‌کند.

همان‌گه ویس در رامین نگه کرد  
 که آتش چون بلند افروخت ما را  
 بیا تا هر دو بگریزیم از ایدر  
 مرو را گفتم بنگر حال این مرد  
 بدین آتش بخواهد سوخت ما را  
 بسوزانیم او هم به آذر

(همان: ۱۳۶)

### ۳-۲- روایات مذهبی

داستان گذر ابراهیم (ع) از آتشی که مشرکان برای او افروخته بودند و گذر زرتشت از آتش نیز می‌توانند به عنوان نمود مذهبی گذر از آتش معرفی شوند که هر دو پیامبر برای اثبات حقیقت خود بدان تن دردادند.

۳-۲-۱- داستان ابراهیم (ع): با مقایسه‌ی قرآن کریم و عهدین روشن می‌شود که برخی از قسمت‌های مهم و اصلی داستان ابراهیم از جمله بنای کعبه، چگونگی زنده شدن مردگان، مناظره با قوم بت پرست و «لا احب الالفین» گفتن ابراهیم و به آتش افکندن او در تورات و انجیل ذکر نشده است؛ در حالی که قرآن، به عنوان بخش‌های مهم زندگی خلیل الله از آنها یاد می‌کند و مفسران در تفسیر آیاتی که مربوط به زندگی این پیامبر خداست به صورت مشروح به بخش‌های مختلف این داستان‌ها اشاره کرده‌اند. یکی از این داستان‌ها، به آتش افکندن شدن ابراهیم (ع) است که به دنبال شکستن بت‌ها به دست آن حضرت، توسط مشرکان روی داد و سرانجام همان خداوندی که خاصیت سوزاندگی را در درون آتش نهاده بود، فرمان سرد شدن آن را صادر کرد و فرمود: «یا نَارُ کُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ» (انبیاء / ۶۹).

مفسرین، تفاسیر مختلفی از سرد شدن آتش بر ابراهیم (ع) مطرح کرده‌اند از آن جمله: (کاشانی، ۱۳۷۳: ۷۸)، (جرجانی، ۱۳۷۷، ۱۳۳)، (طیب، ۱۳۷۸: ۲۰۸) و در مقابل عرفا نیز دلایل دیگری مطرح ساخته‌اند به طور مثال گفته‌اند دلیل سرد شدن آتش بر ابراهیم این بود که جبرئیل پیراهنی از جنس حریر سپید بهشتی را بر او پوشاند که باعث نجات او شد (سهروردی، ۱۳۶۴: ۴۴). برخی دیگر از عرفا تسلیم شدن آن حضرت در برابر پروردگار (مولوی، ۱۳۸۰: ۱/۸۶۱)، گفتن کلمه‌ی لا اله الا الله (میبیدی، ۱۳۶۱: ۱۹۹/۹) و اعمال و اخلاق ابراهیم را در این زمینه دخیل دانسته‌اند چنان که محمدبن منور می‌گوید: « ابراهیم چون پاک زیست، خداوند

اجازه‌ی تسلط آتش را بر او نداد، حال بندگان مؤمن خدا نیز بدین سان است که خداوند به هوس‌های دنیوی اجازه‌ی تسلط بر مؤمنان را نمی‌دهد». (محمدبن منّور، ۱۳۶۶، ۱۸۴) ۲-۲-۳ - داستان زرتشت: زرتشت از آزمون گذر از آتش برای اثبات حقانیت دین خود استفاده کرد. زمانی که این پیامبر، توسط امشاسپندان به همپرسگی اهورامزدا رسید از سوی امشاسپندان سه نوع آزمایش به او تکلیف شد. اولین آزمون، گذر از آتش بود که بایستی زرتشت، سه گام به نشانه‌ی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک در درون آتش بر می‌داشت و اتفاقی برای او نمی‌افتاد. دومین آزمون فلز گداخته بود و سومی بریدن شک با کارد. (رک رضی، ۱۳۸۱: ۴/ ۲۲۴۶)

بهار در فرهنگ اساطیر با توجه به این سه نوع آزمون، اشاره می‌کند که «او، سد دیگر روز، هیزم برهم چید و زرتشت را فراز نهاد و آتش را برافروخت. هیچ از او نسوخت و او را در آن نشان پساخت (= آزمایش ایزدی) بر آتش بود». (بهار، ۱۳۵۲: ۱۶۷)

### ۳-۳- روایت اساطیری

۳-۳-۱ - داستان سودابه و سیاوش: سیاوش، معصومترین چهره‌ی آسمانی شاهنامه است که پس از تولد، رستم او را به زابل، نزد خویش می‌برد. پس از بازگشت و گذر افزون بر هفت سال، سودابه، همسر کیکاووس، سیاوش را می‌بیند و به صد دل عاشق او می‌شود؛ اما سیاوش با وجود دسیسه‌ها و توطئه‌گری‌های سودابه به او جواب رد می‌دهد. سودابه وقتی ناکام می‌ماند از ترس رسوایی خودش، به بهانه‌ی آن که سیاوش قصد تعرّض به او را داشته در حرّمسرا فریاد و غوغا به راه می‌اندازد.

بزد دست و جامه بدریّد پاک  
بر آمد خروش از شبستان اوی

به ناخن دورخ راهمی کرد چاک فغانش  
برآمد ز ایوان به کوه

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۹)





است نهایت این که حضرت ابراهیم و زرتشت به آتش افکنده می‌شوند تا مجازات شوند ولی سیاوش تن به آتش می‌دهد تا آزمایش شود. علاوه بر این، زرتشت از آتش بیرون می‌آید تا حقانیت خود را به اثبات برساند ولی سیاوش با سلامت از آتش خارج می‌شود تا طهارت و پاکدامنی خود را ثابت کند. ابراهیم نیز از آن به عنوان معجزه‌ای الهی برای ایجاب مشرکان و اثبات رسالت خود بهره گرفت.

۴-۵- می‌توان روایت‌های ملی را با روایت اساطیری مورد سنجش قرار داد و آن این که شخصیت‌های هر سه داستان در طی ماجرای عاشقانه‌ای قرار است تن به این آزمون بدهند. در سلامان و ابسال فقط سلامان نجات می‌یابد و طرف دیگر این رابطه‌ی عاشقانه، در آتش می‌سوزد. در ویس و رامین، هر دوی عاشق و معشوق پا به فرار می‌گذارند. در سیاوش و سودابه، فقط سیاوش وارد آتش می‌شود.

### ۵- علل نسوزانیدن آتش

از آموزه‌های هات پنجاه و یکم بند نهم گاتها که در آن می‌خوانیم: «ای مزدا اهورا، چه مزدی برای پیروان هر دو گروه، به واسطه‌ی زبانه‌ی آتش و آهن گداخته فراهم خواهی نمود؟ از برای صاحب‌دلان علامتی در آن قرار ده، زیان از برای دروندان و سود از برای اشوان». (گاتها، ۱۳۰۵: ۱۳۱) چنین برمی‌آید که ایرانیان باستان اعتقاد داشتند که آتش در پرتو اشه نمادی از راستی و درستی است، پس گزندی به پیروان راستی و درستی نخواهد رساند.

از این رو، فرد متهم برای اثبات بی‌گناهی خود در مقابل شعله‌های آتش که مظهر و نماد راستی و درستی - اشه - است حضور می‌یافت و سوگند یاد می‌کرد و در نتیجه اگر سخنان وی حقیقت داشت از گزند آتش در امان می‌ماند و گر نه، توسط









### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آموزگار، ژاله، ۱۳۸۱، تاریخ اساطیری ایران، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۳. امین، حسن، ۱۳۸۳، سلامان و ابسال جامی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
۴. بایار، ژان پیر، ۱۳۸۷، رمزپردازی آتش، ترجمه‌ی جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: مرکز.
۵. بندهشن، ۱۳۸۵، به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس.
۶. بهار، مهرداد، ۱۳۵۲، اساطیر ایران، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۷. جامی، عبدالرحمن، ۱۳۸۶، مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه‌ی مرتضی مدرس گیلانی، چاپ دوم، تهران: اهورا.
۸. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، ۱۳۷۷، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۹. حسینی طهرانی، ۱۳۳۰ ق، معادشناسی، چاپ چهاردهم، مشهد: دانشگاه تهران.
۱۰. خرده اوستا، بی تا، به کوشش ابراهیم پورداوود، بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان ایران و انجمن ایران لیک بمبئی.
۱۱. رضی، هاشم، ۱۳۸۱، دانشنامه‌ی ایران باستان، چاپ اول، تهران: سخن.
۱۲. سجّادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۴، حی بن یقظان و سلامان و ابسال، تهران: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. سه‌روردی، شیخ شهاب الدین، ۱۳۶۴، عوارف المعارف، ترجمه‌ی منصور عبدالمؤمن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام.
۱۵. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، شاهنامه، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
۱۶. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۷۳ ق، خلاصه المنهج فی الزام المخالفین، تحقیق آیت الله ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.

